

## پرسش ۱۱۳: درباره‌ی روح القدس، دعوت عیسی و پیروان ادیان

السؤال / ۱۱۳ : السلام عليكم أيها الأخ العزيز: الدعاء إلى الله الواحد الأوجد الذي لا شريك له أن يرشدني طريق الصواب.

کتابنا المقدس یخبرنا إنّ المعین هو الروح القدس الذي لازال لحد الآن معنا یساعدنا لفهم كلمة الله، ویساعدنا أن نبقی آمناء لله رغم كل الاضطهاد من قبل المسيحية واليهودية والإسلام التي بعض متبعيها لا یريدون أن یعرفوا الله الحق، الله هو الذي أعطى البشر الحياة، وهو الوحيد الذي من حقه أن یستردها إليه، ونحن نتعرض للقتل من أتباع الديانات الثلاثة. وسؤالنا إذا كانوا یؤمنون بالله السلام، فلماذا هذا القتل؟ ونشر دياناتهم مع أنبيائهم بالقتل والسيف على عكس المسيح الذي بعثه الله إلى الأرض من أجل السلام، والمدعين المسيحية اليوم بعیدين كل البعد عن السلام في الماضي والحاضر؟ أرجو دوام المراسلة.

المرسل: عادل الموحد

برادر عزیزم، سلام و درود بر شما. به درگاه خداوند یگانه‌ی بی‌همتایی که شریکی ندارد دعا می‌کنم تا مرا به راه راست هدایت فرماید.

کتاب مقدس ما، به ما خبر داد که یاری‌رسان (معین) همان روح القدس است که همچنان با ما است و ما را در فهمیدن کلمه‌ی خداوند، یاری می‌دهد و به ما کمک می‌کند علی‌رغم تمام ظلم و ستم‌های وارد شده از سوی مسیحیت، یهودیت و آن اسلامی که بعضی از پیروانان‌شان خواهان شناختن خدای حق نمی‌باشند، امینان خداوند باقی بمانیم. خداوند همان کسی است که به نوع بشر زندگانی عطا فرموده و تنها کسی است که می‌تواند این زندگی را بازپس گیرد؛ در حالی که ما در معرض قتل و کشتار از سوی پیروان این ادیان سه‌گانه می‌باشیم. سؤال ما این است که اگر آنها به تسلیم شدن در برابر خداوند ایمان دارند، این قتل و کشتار برای چیست؟ و این نوع منتشر نمودن ادیان خود به نام انبیایشان با شمشیر، درست بر عکس عیسی که خداوند

او را برای برقرار نمودن صلح و دوستی به زمین ارسال فرمود در حالی که مدعیان مسیحیت چه در گذشته و چه امروز، از این صلح و دوستی بسیار به دورند. امیدوارم مکاتبات ادامه داشته باشد.

فرستنده: عادل موحد

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

نعم، روح القدس معين ونعم المعين، ولكن لمن يستعينون بالله وبإخلاص وتجرّد عن الأنا، ليعرفوا الحق من الحق سبحانه وتعالى. وأنا العبد المسكين الجاهل كنت دائماً أقول من أراد الحق فليسأل الله وليعرف من الله.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

بله، روح القدس، یاری رسان است و البته بهترین یاری رسان؛ ولی برای کسانی که با اخلاص و دوری از منیت، از خداوند یاری جویند تا حق را از جانب حق سبحان و متعال، بشناسند، و من بنده‌ی مسکین جاهل همیشه می‌گوییم: هر که حق را می‌خواهد باید از خدا بخواهد و از سوی او بشناسد.

أما بالنسبة للقتال من أجل نشر الدين الإلهي الحق في كل زمان، فهو ما صدر من- أنبياء الله ورسوله(ع)، وأمر-هم- هو- أمر- الله؛ لأنهم بأمر- الله يعملون، ولا يتصرفون وفق أهوائهم أو آرائهم، بل لا يريدون ولا يشاؤون إلا ما يشاء الله سبحانه وتعالى. وأنت كمسيحي ألا تؤمن أنّ موسى وهارون ويوشعاً وداود وسليمان (عليهم سلام الله) أنبياء مرسلون من الله سبحانه؟ فاقراً التاريخ والعهد القديم لترى أنّ الله أمرهم بقتال الكافرين وفتح الأرض المقدسة وبناء الهيكل ونشر الدين الإلهي الحق في حينها. ثم عيسى (ع) ألم يقل من أراد أن يتبعني فليحمل صليبه معه؟ ماذا تعتقد أنّه أراد بهذا؟ هل يمكن أنّك تعتقد أنّه أراد أنّ من يتبعه ويتبع الحق الذي جاء به من الله سبحانه يستسلم للكافرين به وبالحق فيقتلونه

وَيَصْلِبُونَهُ، أَمْ أَنْ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ: (مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَّبِعَنِي فَلْيَحْمِلْ صَلِيبَهُ مَعَهُ) كَانَتْ  
تَعْنِي الثَّوْرَةَ عَلَى الْكُفْرِ وَالظُّلْمِ وَالطُّغْيَانِ؟ ([536]).

اما در خصوص پیکار برای انتشار دین حق الهی در هر زمان، این عملی است که توسط انبیا و فرستادگان (ع) صورت گرفته است و فرمان آنها، فرمان خداوند است؛ چرا که آنها به فرمان الهی عمل می کنند و طبق هوا و هوس و نظر خودشان دخل و تصرف نمی کنند و حتی نمی خواهند و اراده ای ندارند جز آنچه خداوند سبحان و متعال بخواهد. شما به عنوان یک مسیحی، آیا ایمان نداری که موسی، هارون، یوشع، داوود و سلیمان (ع) انبیای فرستاده شده از سوی خداوند سبحان می باشند؟! تاریخ و عهد قدیم را بخوان تا ببینی خدا به آنها به نبرد با کافران و فتح سرزمین مقدس و ساختن هیکل و انتشار دین الهی در زمان خودشان را داده است. آیا عیسی (ع) نگفت که هر کس می خواهد دنباله رو من باشد، صلیبش را با خودش حمل کند؟! به اعتقاد شما او از این سخن چه قصدی داشت؟ آیا می توانی اینگونه تصور کنی که منظور او این بوده که هر که می خواهد از او و از حقی که از سوی خداوند سبحان آورده است، پیروی کند، حق را تسلیم کافران کند تا او را بکشند و به صلیب بکشند؟! یا منظور او از این سخن که «هر کسی می خواهد از من پیروی کند، باید صلیبش را با خودش حمل کند» قیام علیه کفر و ظلم و عصیانگری می باشد؟! ([537])

أَمَّا كَوْنُ عَيْسَى (ع) لَمْ يُقَاتِلْ بِالْفِعْلِ أُمَّةَ الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ وَالطُّغْيَانِ سِوَاءَ عُلَمَاءِ الْيَهُودِ غَيْرِ الْعَامِلِينَ أَمْ الرُّومَانَ، فَلَأَنَّ الْقِتَالَ يَحْتَاجُ إِلَى الْعِدَّةِ وَالْعَدَدِ، وَلَمْ يَكُنْ مَعَ عَيْسَى (ع) لَا الْعِدَّةَ وَلَا الْعَدَدَ، فَمَنْ هُمُ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَكَمْ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا مُسْتَعِدِّينَ أَنْ يَفْدُونَهُ بِحَيَاتِهِمْ؟! أَلَيْسَ هَذَا السُّؤَالُ لَتَجِدَ أَنَّ عَيْسَى (ع) لَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ إِلَّا اللُّجُوءَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِيَرْفَعَهُ إِلَيْهِ. أَلَمْ يَطْلُبْ عَيْسَى (ع) مِنَ الَّذِينَ كَانُوا يَدْعُونَ الْإِيمَانَ بِهِ الْإِمْتِنَاعَ عَنِ دَفْعِ الْجِزْيَةِ (الضَّرَائِبِ) لِقِيَصْرِ فَهَلْ امْتَنَعُوا؟! وَإِذَا كَانُوا يَخْذَلُونَهُ بِهَذَا فَخَذَلَانَهُمْ لَهُ فِي الْقِتَالِ أَبِينِ وَأَوْضَحَ. يَجِبُ أَنْ تَنْظُرَ بِمَوْضُوعِيَّةِ لِدَعَوَاتِ الْأَنْبِيَاءِ (ع)، فَكَوْنُ عَيْسَى (ع) لَمْ يُقَاتِلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ بِالسَّيْفِ لَا يَعْنِي أَنَّ

الأنبياء الذين قاتلوا أعداء الله بالسيف باطل وحاشاهم عليهم صلوات الله وسلامه.  
أنا قلت في أكثر من موضع فيما كتبت سابقاً ([538]):

غير از پیشوایان کفر و گمراهی و سرکشی، کس دیگری با عیسی (ع) به نبرد  
برنخواست؛ چه پیشوایان علمای بی عمل یا رومیان. جنگ و نبرد به عِدّه و عُدّه نیاز دارد  
در حالی به همراه عیسی (ع) هیچ عِدّه و عُدّه‌ای نبود و آن کسانی هم که به او ایمان  
آورده بودند، چه کسانی بودند و چقدر آماده بودند که زندگی خودشان را فدای او  
نمایند؟! پاسخ این سوال را پیدا کن، در این صورت خواهی دید که عیسی (ع) چاره‌ای  
جز پناه بردن به خداوند سبحان نداشت تا او را به سوی خودش بالا ببرد. آیا عیسی (ع)  
از کسانی که ادعای امان آوردن به او را داشتند نخواست که از پرداخت مالیات  
(سکه‌ها) به قیصر خودداری کنند؟! آیا آنها خودداری نمودند؟! آنان او را در چنین  
فرمانی تنها گذاشتند؛ پس یاری ندادنش در جنگ و نبرد از سوی آنها بسیار واضح‌تر و  
آشکارتر می‌باشد. باید در مقوله‌ی دعوت‌های فرستادگان (ع) به دقت نظر بیفکنی؛  
اینکه عیسی (ع) با شمشیر در برابر دشمنان خدا نایستاد به این معنی نیست که انبیای  
الهی که در برابر دشمنان خداوند قیام مسلحانه نمودند، بر باطل بودند؛ که هرگز چنین  
نیست، سلام و صلوات خداوند بر همه‌شان باد. من در نوشته‌های پیشین، بارها  
گفته‌ام ([539]):

إن دعوة عيسى إلى الله سبحانه وتعالى لها خصوصيات وظروف محيطة بها  
جعلتها من أصعب الدعوات الإلهية، فعيسى (ع) لم يواجه قوماً يعبدون أصناماً من  
حجارة، ولم يواجه قوماً يكفرون بالله، بل واجه قوماً يدعون أنهم موحدون  
ويؤمنون بالله وبأنبيائه، واجه علماء اليهود غير العاملين الذين كانوا يظهرون  
الصلاح ويوهمون الناس أنهم ورثة الأنبياء المرسلين السابقين (ع)، وفي نفس  
الوقت يداهنون الرومان الوثنيين الذين يحتلون الأرض المقدسة. عيسى (ع) جاء  
ليواجه هؤلاء الضالين المضلين بينما الشعب يعتبرهم علماء الدين الصالحين الذين  
يمثلون موسى (ع) والأنبياء (ع). فلم يكن سبيلٌ لفضحهم وبيان فسادهم وضلالهم

الإزهد عيسى (ع) ومأساة الصلب التي بينت وأظهرت قسوة قلوبهم وبعدهم عن الرحمة الإلهية التي كانوا يدعون تمثيلها.

دعوت عيسى (ع) به سوى خداوند سبحان و متعال، خصوصیتها و شرایط محیطی ویژه‌ای داشت که آن را در رده‌ی مشکل‌ترین دعوت‌های الهی قرار می‌دهد. عیسی (ع) با مردمی که بت‌های سنگی را پرستش می‌کردند، روبه‌رو نشد و همچنین با قومی که کافر به خداوند باشند نیز مواجه نگردید، بلکه با مردمی روبه‌رو شد که ادعای توحید و ایمان به خدا و انبیای او را داشتند، با علمای بی‌عمل یهود که ادعای اصلاح‌گری داشتند و مردم را اینگونه متوهم کرده بودند که آنها وارثان انبیای فرستاده‌شده‌ی پیشین (ع) می‌باشند و در عین حال، با رومیان بت‌پرست که سرزمین مقدس را اشغال کرده بودند، سازش می‌کردند. عیسی (ع) آمد تا با این گمراهان گمراه‌کننده مواجه شود. علمایی که مردم، آنان را علمای اصلاح‌گری که تمثیلی از موسی (ع) و انبیا (ع) بودند، می‌دانستند و هیچ راهی برای رسوا کردن و بیان فساد و گمراهی آنان نبود جز زهد و پرهیزگاری عیسی (ع) و درد و رنج به صلیب کشیده شدن که قساوت قلب آنها و دور بودنشان از رحمت الهی مورد ادعایش را واضح و آشکار نمود.

هذا فيما يخص الأنبياء (ع)، وإذا أردت التوسع في هذه المسألة فارجع إلى قراءة كتاب: «الجهاد باب الجنة».

این در خصوص انبیا (ع) می‌باشد و اگر خواهان توضیحات بیشتری در خصوص این مساله می‌باشید به کتاب «جهاد درب بهشت» مراجعه نمایید.

أما باقي الناس الذين لم يستضيئوا بنور نبي أو وصي وبالتالي ملؤوا الأرض ظلماً وجوراً فهم صنيعه الشيطان و عمال الشيطان، ولذا تجدهم يستमितون للحفاظ على مملكة الشيطان والشر في هذه الأرض وكل منهم بطريقته، فالذي يعرف الحقيقة التي يرضاها الله يعلم أن الامبراطورية الأموية والامبراطورية العباسية والامبراطورية العثمانية التي كانت تدّعي أنها تمثل محمداً (ص) والإسلام، ما هي

إلا دول شيطانية ومثلت الشيطان ليس إلا، ولا علاقة لها بمحمد(ص) والإسلام، إلا بقدر ما يحقق مصلحة حكّامها الطغاة الفراعنة (لعنهم الله)، تماماً كأمريكا وبوش اليوم وكالقاعدة (قاعدة الشيطان) والقتلة المجرمين المنظمين تحت لوائها، لواء الشيطان (لعنه الله).

اما ساير مردمی که با نور نبی یا وصی راه خود را روشن نمی کنند و در نتیجه زمین را پر از ظلام و ستم می نمایند، اینان محصول شیطان و عاملان او هستند. از همین رو می بینی که آنها برای حفظ حکومت شیطان و شر بر روی این زمین تلاش می کنند، هر کدام به طریقی. هر کس آن حقیقتی که مورد رضای خداوند می باشد را می شناسد، می داند که امپراطوری اموی و امپراطوری عباسی و امپراطوری عثمانی که ادعای تمثیلی از محمد(ص) و اسلام را داشته اند، همگی دولت های شیطانی و تمثیل هایی از شیطان بوده اند و هیچ گونه ارتباطی با حضرت محمد(ص) و اسلام نداشتند مگر به آن اندازه که به مصلحت حکومت طاغوتی فرعونی شان (که خداوند همه را لعنت کند) بوده است. همگی درست مانند آمریکا، بوش و القاعده (قاعده ی شیطان) و قاتلان مجرمی که زیر پرچمشان سازمان یافته اند می باشند؛ همان پرچم شیطان که لعنت خدا بر او باد.



[536] - وهاك اسمع ما ورد في الإنجيل على لسان المسيح (إنجيل متى الإصحاح التاسع): (لا تظنوا أنني جئت لألقي سلاماً على الأرض \* ما جئت لألقي سلاماً بل سيفاً \* فإني جئت لأفرق الإنسان ضد أبيه والابنة ضد أمها والكنة ضد حمائها \* وأعداء الإنسان أهل بيته \* من أحب أبا أو أما أكثر مني فلا يستحقني \* ومن أحب ابناً أو ابنة أكثر مني فلا يستحقني \* ومن لا يأخذ صليبه ويتبعني فلا يستحقني \* من وجد حياته يضيعها \* ومن أضاع حياته من أجلي يجدها \* من يقبلكم يقبلني ومن يقبلني يقبل الذي أرسلني) نعم، كل الأنبياء كان هدفهم نشر التوحيد على وجه الأرض بشتى السبل، لا لنشر السلام الخالي من التوحيد والعدل، فإن انشر التوحيد والعدل بالسلم كان بها، وإن لم ينتشر إلا بالحرب والقتل يبادرون إليه إن وجدوا ناصراً، ولكن بعض الأنبياء كعيسى (ع) لما لم ينصرهم إلا القليل المستضعف، لجأوا إلى التقية وترك القتال، وليعلم السائل أن ترك القتال



والسلم ليس هو سيرة الأنبياء الحقيقية، بل هو أمر عارض عليها بسبب قلة الناصر والمعين، ولذلك نجد أن الأنبياء الذين وجدوا العدة والعدد لقتال الكافرين بادروا إلى ذلك بكل قوة وإصرار كنبى الله داود (ع).  
وقال عيسى- أيضاً لأصحابه. قبل أن يأتي- اليهود للقبض عليه: (... وقال لهم: حين أرسلتكم بلا كيس دراهم. ولا مزود ولا حذاء، فهل أعوزكم شئ؟ قالوا: لا. \* فقال لهم: أما الآن فمن كان عنده كيس دراهم فليأخذه. وكذلك من كان عنده مزود. ومن لم يكن عنده سيف فليبع رداءه ويشتريه). (المعلق).

**[537]** - گوش جان به آنچه از زبان مسیح در انجیل جاری شده است، بسپارید (انجیل متی: اصحاب نهم): «گمان مبرید آمده‌ام که صلح بر زمین بگسترانم \* نیامده‌ام صلح به پا کنم بلکه شمشیر \* آمده‌ام انسان را از پدر، دختر را از مادر و عروس را از مادر شوهر جدا سازم \* و دشمنان انسان، اهل بیت او هستند \* هر که پدر و مادر را بیش‌تر از من دوست داشته باشد، لیاقت مرا ندارد \* و هر که فرزندان پسر و دختر را بیش‌تر از من دوست داشته باشد، لیاقت مرا ندارد \* و هر که صلیبش را بر ندارد و به دنبال من بیاید، لیاقت مرا ندارد \* هر که زندگی‌اش را یافت، از دستش خواهد داد \* و هر که زندگیش را به خاطر من از دست داد آن را خواهد یافت \* هر که بر شما بوسه زند مرا بوسیده است و آنکه بر من بوسه زند کسی که مرا فرستاده است را بوسیده». آری، هدف تمام انبیای خداوند هر کدام به روشی، گستردن توحید بر روی زمین بوده است، نه انتشار صلح و دوستی بدون عدل و توحید! اگر انتشار توحید و عدل با صلح و دوستی امکان‌پذیر باشد، این گونه عمل می‌کنند ولی اگر راهی جز جنگ و کشتار وجود نداشته باشد، در صورتی که یار و یآوری داشته باشند به آن اقدام می‌کنند. ولی برخی از پیامبران مثل عیسی (ع) که یار و یآوری نداشتند مگر اندکی از مستضعفین، راه تقیه و به کنار نهادن جنگ را پیش می‌گرفتند. پرسش کننده باید توجه داشته باشد که روش واقعی انبیا کنار گذاشتن پیکار و آوردن صلح و دوستی نبوده است بلکه به جهت کم بودن یار و یاور آنها به این عمل مجبور شده‌اند و از همین رو می‌بینیم انبیایی مانند داوود (ع) که یار و یاورانی می‌یافتند با تمام نیرو علیه کافران به نبرد برمی‌خواستند.

عیسی (ع) قبل از اینکه یهودیان او را دستگیر کنند به یارانش می‌فرماید: «... و به آنها گفت: وقتی شما را بدون کیسه‌ی درهم و بدون توشه و بدون کفش فرستادم، آیا محتاج چیزی شدید؟ گفتند: خیر \* به آنها گفت: الان هر که کیسه‌ی درهم دارد آن را بردارد و هر که توشه‌ای دارد نیز همینطور. هر کس شمشیر ندارد ردایش را بفروشد و شمشیر بخرد».

**[538]** - راجع کتابی العجل، واضاءات من دعوات المرسلین، للسید أحمد الحسن. (المعلق).

**[539]** - به کتاب فتنه‌ی گوساله و روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان نوشته‌ی سید احمد الحسن مراجعه نمایید.